

Accident

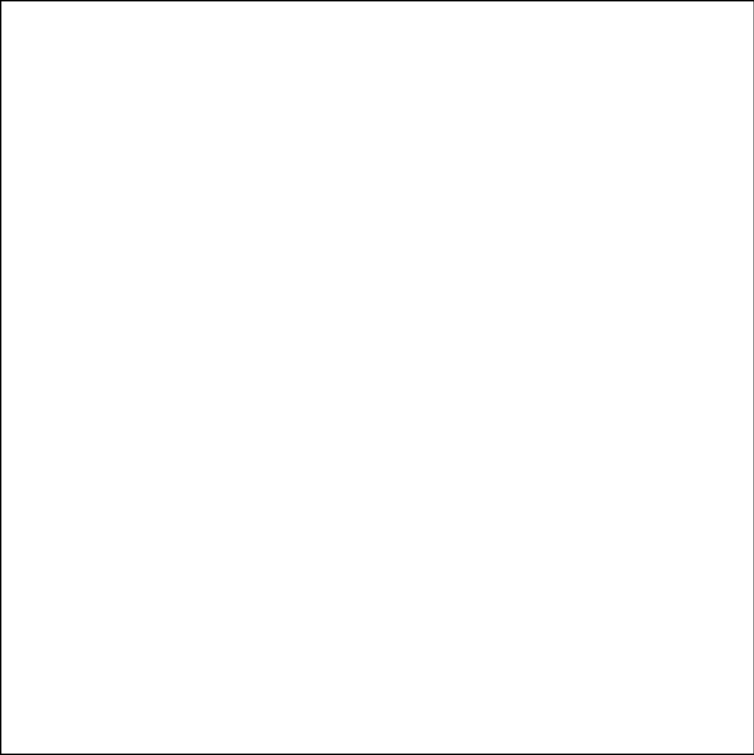
 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 3

 درى prs / English en



ڪرلوس يڪ موٽرسڪيڪل را مي چاند. او بسچر تيز مي چاند.

...

Carlos rides a scooter. He rides fast.



در سرک آب موجود است. سرک لغزنده است.

...

There is water on the road. The road is slippery.



او کنترل موتورسیکل را از دست می دهد و به زمین می افتد.

...

He loses control of the scooter and falls off.



كارلوس به شدت زخمي است.

...

Carlos is badly hurt.

یک زن به آمبولانس تھس می گیرد. “اینجیک حادثه رخ داده ، زود
بیید!”

...

A woman calls for an ambulance. “There has been
an accident. Come quickly!”

آمبولانس بسڃر تيز مي ايد.

...

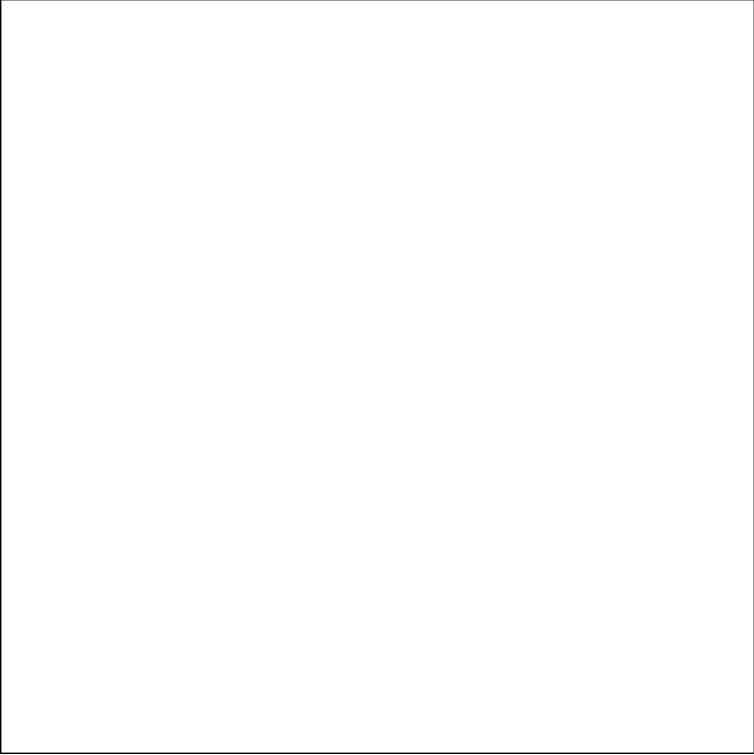
The ambulance comes very quickly.



دو مردم کارلوس را در بستر گذاشتند.

...

Two men put Carlos on a stretcher.



آنھو ڪرلوس را به داخل آمبولانس بردند.

...

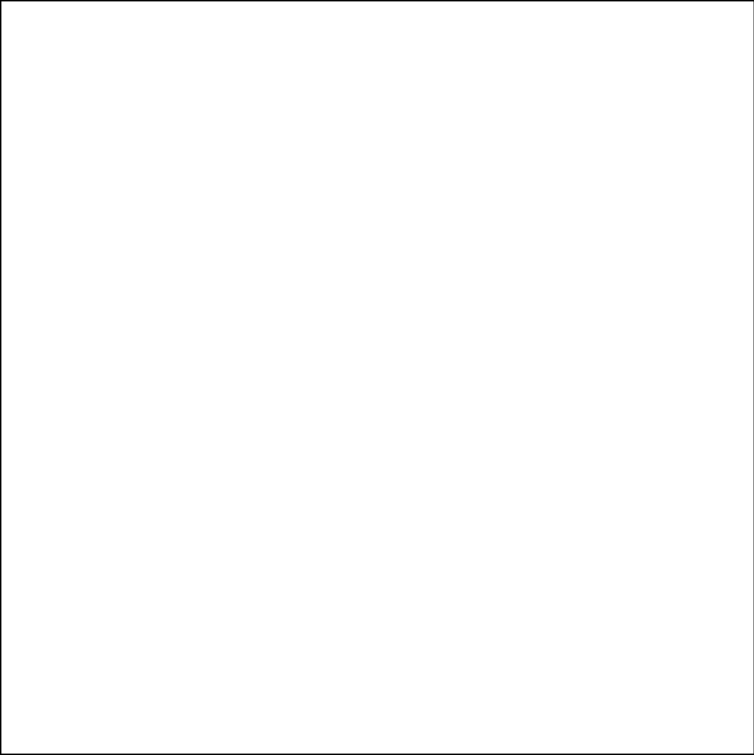
They lift Carlos into the ambulance.



آمبولانس به طرف شفقنه حرکت می کند.

...

The ambulance drives to the hospital.



یک نرس کارلوس را به داخل شه‌خانه می برد.

...

A nurse takes Carlos into the hospital.



او تداوی گرلوس را می کند.

...

She treats him.



چی کارلوس بسیر درد می کند و او بسیر وارخطا است.

...

Carlos's leg hurts a lot, and he is worried.



دو داکتران ډی ګرلوس را عملیت می کنند.

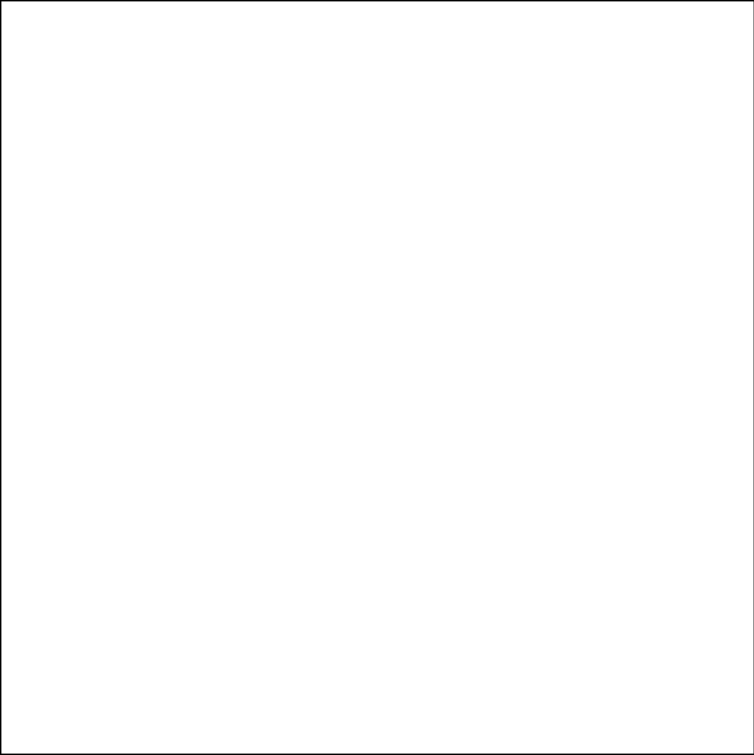
...

Two doctors operate on his leg.

والدین اش به او ملاقات می کنند. آنها از او سوال می کنند که این حادثه
چطور رخ داد.

...

His parents visit him. They ask him how the accident
happened.



آنها او را به خانه می برند. کارلوس از عصی صحت استفاده می کند.

...

They drive him home. Carlos is using crutches.






LIDA Stories

lidastories.net

حادثة

Accident

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Aakane
-  Shir Ahmad Laiwal (prs)

